

یاد و خاطره رفیق ضیا همیشه در دل های ماست و راه سرخش، مشعل راه ما!

یک سال از درگذشت رفیق ضیا صدر حزب ما گذشت. مرگ او نه تنها برای خانواده، اعضاء و هواداران حزب بسیار سنگین بود، بلکه جای خالی او در جنبش کمونیستی کشور و جهان نیز احساس می شود. او تجسم عینی و الگوی حقیقی یک رهبر و مبارز کمونیست بود، رهبری مبارز که تجربه، دانش و اتوریته انقلابی را در سنگر مبارزه ملی و طبقاتی فرا گرفته بود. بدون شک جبران این اتوریته رهبری به زودی برای حزب ما و جنبش کمونیستی کشور ممکن نیست.

رفیق ضیا مانند بسیاری از انقلابیون دیگر، در دهه چهل خورشیدی که نقطه اوج مبارزات انقلابی و کمونیستی در افغانستان و جهان بود، پا به میدان مبارزه گذاشت. او همراه با قاضی ضیا، در اواسط دهه پنجاه و بعد از سالها تجربه و آشنایی با انقلابیون و مبارزان برجسته آن زمان، داود سرمد و مجید کلکانی به سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) پیوست و با جدیت و جسارت تمام در امر مبارزه انقلابی تلاش نمود.

در دهه پنجاه خورشیدی هم زمان با شکست انقلاب در چین، جنبش کمونیستی در جهان و افغانستان به سرایش پراگندگی، انحراف، ارتداد و بی باوری افتاد و بسیاری از انقلابیون، صف مبارزه را ترک کردند. اما رفیق ضیا و همزمانش در این شرایط دشوار، در صف مبارزه انقلابی و کمونیستی باقی ماند و برای احیای جنبش کمونیستی و ترسیم روشن خط مشی سیاسی و استراتژی مبارزاتی تلاش نمود. یکی از مهم ترین دوران زندگی سیاسی رفیق ضیا، گسست از «ساما» بود. او با گسست از این سازمان، «هسته انقلابی کمونیست های افغانستان» و بعدها «سازمان انقلابی کمونیست های افغانستان» را به عنوان تشکل های پیشا حزبی اساس گذاشت. «سازمان انقلابی کمونیست های افغانستان» در سال ۱۳۷۰ به حزب کمونیست افغانستان تکامل یافت. رفیق ضیا معتقد بود که پیشرفت در مسیر انقلاب کمونیستی فقط در پیوند نزدیک و تنگاتنگ با کمونیست های جهان امکان پذیر است. حزب ما با تاثیرپذیری از مواضع «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» در جذب اصول تجارب «انقلاب کبیر فرهنگی چین»، و مبارزه قاطع علیه رویزونیسم سه جهانی و خوجه ای شکل گرفت و تکامل یافت. شکل گیری و تکامل حزب ما با حضور در جنبش بین المللی کمونیستی و سهم گیری در این مبارزات گره خورده.

حزب کمونیست افغانستان تحت رهبری رفیق ضیا، برای تأمین وحدت محافل، سازمان ها و شخصیت های مائوئیست کشور تلاش نمود. پروسه وحدت مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی کشور در سال ۱۳۸۳ خورشیدی که منجر به تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید یک از این گام ها، جهت تأمین وحدت مائوئیست های افغانستان در یک حزب واحد بود. اما این تلاش، فقط به روابط و تأمین وحدت در سطح جنبش کمونیستی داخل کشور خلاصه نمی شد، بلکه حزب ما همبستگی و روابط بین المللی نسبتا وسیع با احزاب و سازمان های مائوئیست جهان نیز داشته است. زمانی که جنگ خلق در پرو و بعد در نیپال در جریان بود و بارقه امید و رهایی را در دل زحمتکشان جهان ایجاد کرده بود، رفیق ضیا با علاقمندی تمام به اخبار و مسایل جنگ خلق در پرو و نیپال توجه می نمود. بعدها زمانی که انقلاب در پرو به شکست انجامید و جنگ خلق در نیپال به انحراف کشیده شد، رفیق ضیا با سهم گرفتن در بحث های تیوریک برای نجات این انقلاب و حفظ دست آوردهای آن تلاش نمود. مهم ترین کارزار بین المللی حزب ما، مبارزه علیه ریزونیسم «سترنوین» باب آواکیان و «راه پاراچاندا» و انحراف «اندیشه گونزالو» بود که منجر به فروپاشی «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» گردیدند. بعد از فروپاشی

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی روابط حزب ما، با سازمان‌ها و احزاب کشورهای جهان، به منظور تامین وحدت در یک تشکل بین‌المللی کمونیستی جدید، کماکان ادامه دارد.

رفیق ضیا، با امپریالیزم و ارتجاع روحیه‌ی سازش‌ناپذیری داشت. تسلیم‌طلبی ملی «ساما» یکی از عوامل مهم، بریدن رفیق ضیا از این سازمان شد. به همان ترتیب احزاب و نیروهای مدعی چپ که تضاد عمده را مطلق می‌کردند و برای مقابله با قوای متجاوز شوروی، زیر پرچم احزاب ارتجاعی اسلامی خزیدند، نیز مورد انتقاد او قرار گرفتند. بعد از تجاوز امپریالیزم امریکا به افغانستان، سازمان‌های چپ که زیر لوای اسلام می‌جنگیدند و صدها توجیه و دلیل برای اسلامی‌نمایی‌شان می‌تراشیدند، به یک‌بارگی مخالف سرسخت بینادگرایی اسلامی از آب درآمدند و این بار زیر پرچم امپریالیزم پناه گرفتند و به دموکراسی امپریالیستی دل بستند. آن‌های که در نهادهای رژیم شرکت کردند و احزاب قانونی ساختند. اما حزب ما تحت رهبری رفیق ضیا، علیه تسلیم‌طلبی طبقاتی و ملی مبارزه نمود و ماهیت اپورتونیستی این احزاب و سازمان‌ها را افشا کرد.

حزب ما تحت رهبری رفیق ضیا، از همان آوان تجاوز امپریالیزم امریکا به افغانستان شعار جنگ مقاومت ملی، مردمی و انقلابی را به عنوان شکل مشخص از جنگ خلق برای اخراج نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست‌نشانده مطرح کرد و مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و نوکرانش را به عنوان هدف عمده مبارزاتی مشخص نمود. هر چند، این موضع حزب با مخالفت‌های زیاد اپورتونیست‌ها مواجه شد و به حزب ما و رفیق ضیا، اتهام چپ‌روی و تندروی زدند و همچنان بودند احزاب که با این موضع حزب ما مخالفت کردند و شعار مبارزه علیه «دو منسوخ» را مطرح کردند، شعار که در حقیقت چیز جز کم‌بها دادن به مبارزه علیه امپریالیزم و اشغال‌گری نبود و نیست. بعد از توافق میان امپریالیزم امریکا و طالبان در جنوری ۲۰۱۹ رفیق ضیا، شرایط جدید و پیامدهای آن را تحلیل کرد. او تاکید نمود که با خروج نیروهای اشغالگر امریکا و ناتو از افغانستان، اشغال کشور پایان نخواهد یافت، بلکه اشغالگری نظامی عمدتاً جایش را به اشغالگری استخباراتی-سیاسی خواهد داد و طالبان به عنوان یک نیروی ارتجاعی وابسته به امپریالیزم جنگ‌شان دیگر علیه رژیم دست‌نشانده یک جنگ ارتجاعی داخلی خواهد بود که برای امتیاز و سهم بیشتر می‌جنگد.

و اما امروز یک سال پس از درگذشت رفیق ضیا بر آلام و درد مردم ما افزوده شده است. تحت حاکمیت رژیم دست‌نشانده و گروه مزدور طالبان و اربابان امپریالیستی‌شان، مردم افغانستان در شرایط فوق‌العاده اسفبار به سر می‌برند. شدت و گسترش جنگ ارتجاعی، ترورها، قتل‌عام و حملات وحشیانه و کور علیه مردم ملکی و بی‌دفاع، موج جدید کرونا، فقر و تنگدستی توده‌ها و خشک‌سالی از مردم هر لحظه قربانی می‌گیرد. اما مقامات رژیم دست‌نشانده و رهبران گروه ارتجاعی طالبان، هر کدام به دنبال قدرت و سهم‌خواهی بیشتر اند. جوانان کشور هیزم این جنگ ارتجاعی گشته و توده‌های فقیر در این جنگ کشته، آواره و بی‌خانمان می‌گردند. رژیم دست‌نشانده در بحران و ورشکستگی کامل به سر می‌برد. این رژیم ضد مردمی، نه به حمایت مردم بلکه به حمایت امپریالیزم امریکا سرپا ایستاده است. خطر و تهدید طالبان تضاد داخلی رژیم و اعتراضات و مخالفت مردم علیه رژیم را کاهش داده است. بنابراین حمایت امپریالیزم و تهدید طالبان سبب شده است این رژیم دوام یابد. امپریالیزم امریکا در تلاش است تا با سرهم کردن مزدوران دیروزی و امروزی، به سلطه و نفوذ سیاسی-استخباراتی‌اش به افغانستان ادامه دهد و افغانستان را به عنوان پایگاه استراتژیک در منطقه حفظ کند و از نفوذ بیشتر رقیبانش در این کشور جلوگیری نمایند. جنگ طالبان اکنون یک جنگ ارتجاعی داخلی ضد مردمی است که برای سهم بیشتر در رژیم دست‌نشانده و چانه‌زنی در خدمت میز مذاکرات قرار دارد.

در چنین شرایط که مردم ما در آتش جنگ ارتجاعی - امپریالیستی می سوزد، ما باید برای افزایش هر چه بیشتر این جنگ ارتجاعی تلاش کنیم. تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ انقلابی و پایان دادن به سلطه ارتجاع و امپریالیزم بر سرنوشت مردم بلادیده افغانستان راه نجات و خلاصی از این جهنم سوزان است.

سخن آخر این که

مبارزات حزب ما را رفیق ضیا، به مدت سی سال بر ضد امپریالیزم، ارتجاع، رویونیزم و اپورتونیزم رهبری نمود. او در این راه و تاکید بر خط اصولی کمونیستی (مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی) مورد حملات کینه توزانه و اتهامات بی اساس از سوی افراد، گروه‌ها و احزاب ارتجاعی و تسلیم طلب قرار گرفت. بعد از درگذشت رفیق ضیا تعدادی از این افراد و گروه‌ها با ابراز خرسندی از مرگ رفیق ضیا، دست به فحاشی و رکیک گویی در صفحات اجتماعی علیه او زدند. حتی فرصت طلبان داخل حزب نیز تلاش کردند، حزب را تا سرحد یک فرقه سکتاریستی تقلیل دهند. سکتاریزم سیاسی و دگماتیسم فلسفی این افراد کار را به انحلال طلبی تشکیلاتی کشانید و موانع جدی فرا راه فعالیت حزب ایجاد کرد؛ این معضل در نشست عمومی کمیته مرکزی در خزان ۱۳۹۹ برطرف شد و کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب بازسازی گردید.

رفقا! اعضاء و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

یک سال پس از درگذشت صدر حزب مان رفیق ضیا، بار دیگر تعهد می نمایم که راه سرخ حزب ما و رفیق ضیا را با جدیت ادامه می دهیم. پیمان می بندیم که از مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم دفاع نمایم و برای ترویج خط ایدیولوژیک-سیاسی و گسترش تشکیلات حزب در میان کارگران و زحمتکشانش تلاش کنیم. سبک کار حزب را اصلاح نموده، بر ضد سکتاریزم و دگماتیسم مبارزه کنیم.

تعهد می سپاریم برای تحقق هدف و وظیفه عمده مبارزاتی مان یعنی اخراج کامل نیروهای اشغالگر امپریالیست امریکایی و متحدین اش و سرنگونی رژیم دست نشانده از هیچ گونه تلاش دریغ ننمایم و برای به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی و تا رسیدن به جامعه کمونیستی دست از مبارزه بر نداریم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۸ جوزا